

عنوان مقاله:

تحلیل داستان شیخ صنعان بر پایه نظریه تک اسطوره جوزف کمپیل

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دوره 13، شماره 46 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

محمد ریحانی - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان

راحله عبدالله زاده برزو - عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان

خلاصه مقاله:

برپایه نظریه تک اسطوره جوزف کمپیل، قهرمان به دنبال دعوتی آیینی، از جامعه خویش جدا می شود و با بهره گیری از آموزه ها، پای در راه سفر می نهد. در سرزمینی ناآشنا تحت تعلیم نیروهایی آیینی قرار می گیرد، آیین تشریف را می آموزد، و برای اصلاح به سوی جامعه خویش باز می گردد. این سفر با نمادها و نشانه هایی در قالب کهن الگوها نمودار می شود و مصداقی از برخورد خودآگاه و ناخودآگاه در نظریه یونگ است. هدف این پژوهش تحلیل داستان شیخ صنعان با به کارگیری این نظریه و نمادهای مورد نظر یونگ و نظریه تک اسطوره کمپیل به روش توصیفی است. شیخ صنعان که نماد خودآگاه است، به ندای شبانه پیک ناخودآگاه، از سرزمین و مردم خویش جدا می شود و در غرب که نمادی از سرزمین ناشناخته ناخودآگاه است، تحت تعلیم آنیمای وجود قرار می گیرد تا شایسته آشتی با ناخودآگاه روان گردد. دختر که نمادی از آنیمای شیخ است، عشق و ظرایف آن را به او می آموزد و شیخ علم و ایمان را که ره توشه عالم خودآگاه به حساب می آید، به دختر وامی گذارد. در این سفر، چهارصد مرید نیز که از عناصر خودآگاه هستند، تسلیم اراده ناخودآگاه می شوند. بازگشت شیخ از سفر روم به مکه منطبق است با مرحله فردیت، کمال، و بازگشت قهرمان در نظریه کمپیل.

کلمات کلیدی:

داستان شیخ صنعان، کهن الگوی سفر، ناخودآگاه، نظریه تک اسطوره کمپیل، یونگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/856516>

